

اشاره:

توسعه اقتصادی در آسیای مرکزی و قفقاز در دوران پس از جنگ سرد نیز با موانعی روبه‌رو می‌باشد که همکاری منطقه‌ای می‌تواند تا حدودی موانع آن را برطرف سازد.

آسیای مرکزی و قفقاز از نظر توانمندی‌های بالقوه اقتصادی با وجود ذخایر غنی نفت و گاز و دیگر کانی‌های فلزی و غیرفلزی، شرایط بسیار مساعدی دارد، لیکن بهره‌گیری از این منابع با اتکاء صرف به سرمایه‌های اروپایی و آمریکایی نمی‌تواند استقلال اقتصادی و سیاسی کشورهای این منطقه را حفظ و منافع اقتصادی درازمدت آنها را تضمین کند.

اگرچه در سال‌های اخیر روند روبه‌رشد سرمایه‌گذاری غرب در آسیای مرکزی و قفقاز را شاهد می‌باشیم و ارتباط عمیق دولتمردان این کشور با سیاست‌گذاران غربی و به‌ویژه آمریکایی را ملاحظه می‌کنیم، اما نگرانی از تداوم این روند در میان اندیشمندان و گاه دولتمردان کشورهای این ناحیه به چشم می‌خورد. به‌زعم کارشناسان، بهترین راه برای رفع این نگرانی‌ها و تضمین منافع اقتصادی درازمدت کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای می‌باشد.

در این گزارش روند همکاری در آسیای مرکزی و قفقاز و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی این جوامع را بررسی می‌کنیم.

موانع هم‌گرایی اقتصادی آسیای مرکزی

تجاری و اقتصادی میان اعضا را در حد قابل قبول افزایش دهد. بر اساس آمارهای موجود، حجم معاملات تجاری میان

○ با وجود تفاوت دیدگاه‌ها و سیاست‌های کشورهای آسیای مرکزی نسبت به ارتباطشان با جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، این جامعه نتوانست حجم مبادلات تجاری و اقتصادی بین اعضایش را در حد قابل قبول افزایش دهد.

کشورهای عضو جامعه در سال ۱۹۹۶ با ۲۶ درصد رشد نسبت به سال ماقبل به بیش از ۶۰ میلیارد دلار رسید. اگرچه میزان مبادلات اقتصادی - تجاری کشورهای آسیای مرکزی با جامعه روشن نیست، اما آشکار است که رهبران جمهوری‌های آسیای مرکزی درصدد هستند که میزان وابستگی اقتصادی‌شان به روسیه و دیگر اعضای جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را کاهش دهند. ازبکستان که در این زمینه تلاش بیشتری برای کاهش وابستگی به روسیه دارد، پیشنهاد تشکیل «اتحادیه منطقه‌ای آسیای مرکزی» را ارائه داده است، اگرچه کشورهای همسایه ازبکستان، نگران از تسلط این کشور بر اتحادیه مزبور می‌باشند.

عضویت کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در سازمان همکاری اقتصادی (اکو) نیز گواه بر این امر است که در نهایت آنها همکاری را به اگرایی اقتصادی ترجیح می‌دهند، هر چند که موانعی در کار باشد.

با وجود تمایل شدید کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به همکاری اقتصادی، مشکلات توسعه اقتصادی در آسیای مرکزی در اثر تفاوت‌های آشکار میان این کشورها، نباید نادیده گرفته شود.

به عقیده کارشناسان، قزاقستان که بزرگترین کشور آسیای مرکزی از نظر مساحت با جمعیتی در حدود ۱۷ میلیون نفر می‌باشد، به لحاظ وابستگی صنایعش به صنایع روسیه، تا حدودی ناگزیر است که در سیاست‌های اقتصادی، ملاحظات خاصی را مدنظر قرار دهد.

ترکمنستان با حدود ۴/۵ میلیون نفر جمعیت، کوچکترین کشور این منطقه از نظر مساحت می‌باشد. ازبکستان پرجمعیت‌ترین کشور آسیای مرکزی می‌باشد و قرقیزستان با ۴/۵ میلیون نفر جمعیت و تاجیکستان با ۶/۲ میلیون نفر، از دیگر

همگرایی منطقه‌ای راهی برای دستیابی به توسعه پایدار

کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز اندکی پس از کسب استقلال به دنبال فروپاشی شوروی سابق، به موضوع همگرایی منطقه‌ای برای دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار با حفظ استقلال سیاسی و کاهش اتکاء به روسیه، توجه ویژه‌ای نشان دادند.

این کشورها در قالب سازمان همکاری اقتصادی (اکو) و جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به دنبال جذب همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای بودند.

همگرایی، فرآیندی می‌باشد که به وسیله آن واحدهای اقتصادی گوناگون تلاش می‌کنند تا با اتحاد میان خود به اهداف و موفقیت‌های موردنظر دست یابند. در همگرایی اقتصادی جریان تجارت، مهاجرت، گردشگری، توسعه صنعتی و... مدنظر می‌باشد تا از طریق اتحاد میان کشورهای عضو پیمان منطقه‌ای، روند مناسبات به نفع توسعه فعالیت‌های مزبور هدایت شود.

رهبران کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با درک منافع حاصل از همگرایی اقتصادی از اوایل دهه جاری درصدد برآمدند که هماهنگی‌های بیشتری در زمینه سیاست‌های اقتصادی، سیاسی و دفاعی میان خود برقرار سازند. پنج کشور آسیای مرکزی در اواخر سال ۱۹۹۱ به عضویت جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع درآمدند. در همین حال رؤسای چهار کشور روسیه، روسیه سفید، قزاقستان و قرقیزستان نیز با هدف ایجاد «جامعه ممالک همگرا» در مارس ۱۹۹۶ قراردادی را در مسکو امضا کردند. این پیمان به منظور هماهنگی در امور اقتصادی، علمی، فرهنگی و اجتماعی منعقد گردید.

○ در همگرایی اقتصادی، جریان تجارت، مهاجرت، گردشگری، توسعه صنعتی و... مدنظر می‌باشد تا از طریق اتحاد کشورها در یک پیمان منطقه‌ای، روند توسعه فعالیت‌های اقتصادی تقویت شود.

با وجود تفاوت دیدگاه‌ها و سیاست‌های کشورهای آسیای مرکزی نسبت به ارتباطشان با جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، این جامعه نتوانسته است حجم مبادلات

کشورهای این منطقه می‌باشند، اما قومیت‌های مختلفی در تمام این کشورها زندگی می‌کنند. از بک‌ها ۷۹ درصد جمعیت ازبکستان، تاجیک‌ها ۶۹ درصد جمعیت تاجیکستان، ترک‌ها ۷۹ درصد جمعیت ترکمنستان، قرقیزها ۵۲ درصد جمعیت قرقیزستان و قزاق‌ها ۴۲ درصد جمعیت قزاقستان را تشکیل می‌دهند. اما در تمام این کشورها، دیگر قوم‌ها نیز ساکن هستند. از نظر دین، اسلام دین اصلی در تمام این کشورها می‌باشد. بیش از ۹۵ درصد جمعیت بزرگسالان این کشورها باسواد هستند.

○ تفاوت آشکار در شاخص‌ها و عملکرد اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی نباید نادیده گرفته شود، زیرا در همگرایی منطقه‌ای مؤثر است.

درآمد ملی این کشورها تفاوت زیادی با یکدیگر دارد. براساس آمار منتشره از سوی برنامه توسعه سازمان ملل، درآمد ملی قزاقستان در سال ۱۹۹۵ به ۱۸ میلیارد دلار، ازبکستان به ۱۱ میلیارد دلار، ترکمنستان به ۴/۹ میلیارد دلار، قرقیزستان به ۱/۶ میلیارد دلار و تاجیکستان به یک میلیارد دلار رسید. با وجود تفاوت زیاد میان درآمد ملی این کشورها، درآمد سرانه آنها با توجه به تراکم جمعیت‌شان تفاوت زیادی ندارد. درآمد سرانه در قزاقستان در همین زمان ۳۳۰۰ دلار، در ازبکستان ۲۴۰۰ دلار، در قرقیزستان ۲۱۰۰ دلار، در ترکمنستان ۳۷۰۰ دلار و در تاجیکستان ۱۵۰۰ دلار بود.

آمارهای منتشره درباره رشد اقتصادی و میزان تورم در این کشورها در سال ۱۹۹۵ تفاوت بسیاری را نشان می‌دهد. لذا از نظر اقتصادی، همگونی زیادی در میان کشورهای آسیای مرکزی برای رسیدن به یک اتحاد اقتصادی هنوز وجود ندارد. هر چند که در دو سال گذشته شاخص‌های اقتصادی در این کشورها، بهبودهای قابل توجهی را نشان می‌دهد.

به عقیده کارشناسان، تاجیکستان که در حال حاضر از نظر توسعه اقتصادی در پایین‌ترین سطح در بین کشورهای آسیای مرکزی قرار دارد، بیشترین بهره را از همگرایی اقتصادی می‌برد، اگرچه قزاقستان نیز در سایه این همگرایی می‌تواند از میزان وابستگی به روسیه بکاهد و روابط اقتصادی و تجاری خود را تنوع بخشد.

کارشناسان بر این باور هستند که قزاقستان با دراختیار

داشتن منابع عظیم زیرزمینی قابل‌صدور به بازارهای جهانی مانند نفت، گاز، طلا، مس، منگنز، اورانیوم و...، توانمندی بالقوه بسیاری برای بهره‌گیری از همگرایی منطقه‌ای دارد. در حالی که این همگرایی حتی برای تاجیکستان درگیر با جنگ‌های داخلی و ترکمنستان که از نظر توسعه اقتصادی چندان پیشرفته نمی‌باشد، منافع زیادی خواهد داشت.

اگرچه سلطه کمونیسم در هفت دهه سبب شده است که پایه‌های توسعه صنعتی قوی در این جمهوری‌ها بدون اتکا به روسیه بنا نشود و تمامی آنها وابستگی شدیدی به روسیه داشته باشند و زنجیره تولید صنعتی آنها حلقه‌های مفقودهای دارد که در مجموعه صنایع شوروی سابق و گاه بلوک شرق تکمیل می‌شد.

در این شرایط همگرایی می‌تواند بخشی از این معضلات را مرتفع سازد و در جهت کاهش وابستگی کشورهای آسیای مرکزی به روسیه که خواست واقعی آنها می‌باشد، مؤثر باشد. همگرایی کشورهای آسیای مرکزی در شش محور قابل تحقق است:

محور اول، وحدت کامل پنج کشور آسیای مرکزی به منظور ایجاد یک موجودیت سیاسی اقتصادی واحد با عنوان احتمالی «ایالات متحده آسیای مرکزی». تحقق چنین امری می‌تواند اقتصاد آسیای مرکزی را در مقابل روسیه و دیگر کشورهای برتر از جمله چین مطرح سازد. البته تحقق چنین پدیده‌ای بعید به نظر می‌رسد، زیرا سیاست‌گزاران کشورهای آسیای مرکزی به حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی جامعه‌شان اهمیت می‌دهند.

○ همگرایی اقتصادی در آسیای مرکزی برای تمام آن کشورها از قزاقستان گرفته که ذخایر زیرزمینی غنی در اختیار دارد تا تاجیکستان درگیر جنگ، منافی دارد.

محور دوم، همگرایی این کشورها در زمینه‌های مختلف با حفظ استقلال که به نظر می‌رسد آسیای مرکزی تمایل بیشتری نسبت به این‌گونه همگرایی داشته باشد. این همگرایی نیز متضمن رشد و توسعه اقتصادی پایدار می‌باشد، لیکن نیاز به جذب فن‌آوری از دنیای خارج دارد. آسیای مرکزی از نظر ذخایر و منابع طبیعی بسیار غنی است، اما به فن‌آوری‌های جدید صنعتی و حتی جذب سرمایه‌گذاری خارج از منطقه برای

بهره‌برداری از ذخایر، به شدت محتاج است.

محور سوم، همگرایی در زمینه‌های مختلف در چارچوب جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع. این محور نیز چندان جذابیتی برای سیاستمداران آسیای مرکزی ندارد. آنها روسیه را رهبر این جامعه می‌دانند و تلاش دارند از تسلط روسیه بر امور مختلف کشورشان بکاهند. اما بهره‌گیری از برخی پیوندهای اقتصادی و گاه سیاسی در قالب این جامعه را رد نمی‌کنند.

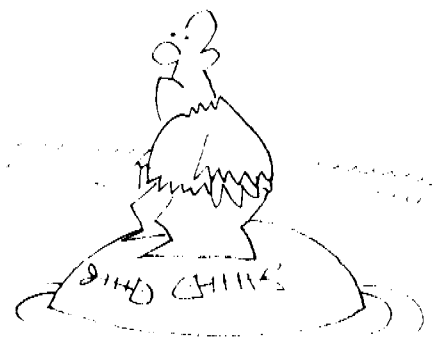
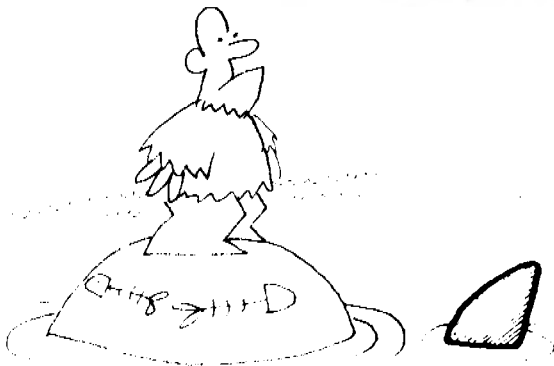
○ شکل‌های مختلفی برای همگرایی اقتصادی میان کشورهای آسیای مرکزی قابل ارزیابی است، اما اکثر آنها به همگرایی در اکو و جامعه کشورهای مشترک‌المنافع رضایت داده‌اند.

محور چهارم، همگرایی در زمینه‌های گوناگون در چارچوب سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، می‌باشد. این محور جذابیت فزاینده‌ای برای کشورهای آسیای مرکزی دارد، لیکن عملکرد ضعیف اکو در سال‌های اخیر و اختلاف‌نظرهای موجود میان سه کشور اصلی بنیان‌گذار این سازمان، مانع از فعالیت و کارکرد سریع و دقیق این سازمان شده است. اکثر قراردادهای منعقد شده میان رهبران اکو در عمل با کندی پیش می‌رود و فرصت‌های ارزشمند اقتصادی را با تأخیر در

اجرای توافق‌نامه‌های میان اعضا از دسترس خارج می‌سازد. محور پنجم، همگرایی در زمینه‌های مختلف با دیگر کشورها که البته این محور می‌بایست با دقت ارزیابی شود. زیرا در این فرآیند همگرایی و همسویی سیاست‌گزاران آسیای مرکزی با توجه به نوع برخورد آنها با دیگر ملل، متفاوت است. در حال حاضر کشورهای آسیای مرکزی در عمل، همگرایی با اکو و جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را با هم دنبال می‌کنند، در حالی که برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی به گسترش مناسبات با دیگر کشورها نیز روی آورده‌اند. روند روبه‌رشد سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در قزاقستان و سهم فزاینده آنها در اقتصاد این کشور، شاهد این مدعا است.

این در حالی است که برخی کارشناسان معتقدند که نفوذ سرمایه‌های بیگانه به ویژه سرمایه‌های آمریکایی می‌تواند توسعه آسیای مرکزی را دستخوش تغییرات نامطلوبی سازد و اقتصاد منطقه را به منافع شرکت‌های خارجی به ویژه شرکت‌های آمریکایی پیوند دهد و وابستگی جدیدی را پدید آورد که در نهایت به زیان توسعه پایدار در این منطقه می‌باشد. کارشناسان بر این عقیده هستند که در فرآیند همگرایی اقتصادی آسیای مرکزی به ترتیب از بکستان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان و سپس تاجیکستان شرایط بهتری دارند. آنها بر این باور هستند که همگرایی اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی، توانمندی‌های اقتصادی تمام این کشورها را

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تقویت می‌کند. فرصت‌های جدیدی برای گسترش بازارهای این منطقه به وجود می‌آورد و توان اقتصادی مجموعه آنها را بالا می‌برد. در حالی که در کاهش وابستگی‌شان به روسیه نیز مؤثر خواهد بود.

کارشناسان بر این باور هستند که کشورهای آسیای مرکزی در همکاری با دیگر کشورهای همسایه در قالب سازمان همکاری اقتصادی (اگو) می‌توانند بیشترین منافع اقتصادی را به دست آورند. آنها بر این باور هستند که منطقه اگو جمعیتی بالغ بر ۲۲ میلیون نفر را دربرمی‌گیرد و به خودی خود، بازاری قوی و پرتقاضا را پیش‌رو می‌گذارد که در نهایت بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی را توجیه‌پذیر و سودآور می‌سازد.

آنها براین باور هستند که دولتمردان کشورهای آسیای مرکزی و حتی قفقاز می‌بایست اهمیت ویژه‌ای برای گسترش مناسبات اقتصادی‌شان در قالب «اگو» قایل شوند. زیرا سه کشور بنیان‌گذار اگو یعنی ایران، پاکستان و ترکیه از نظر موقعیت جغرافیایی مزیت‌هایی دارند که برای آسیای مرکزی حایز اهمیت است.

ایران در همسایگی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز قرار دارد و بر آب‌های خلیج فارس و دریای عمان مسلط است و به‌سهولت به آبراه‌های بین‌المللی متصل می‌باشد. دریای خزر نیز امکان کشتیرانی مناسبی میان بنادر ایران و بنادر جمهوری‌های ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان به وجود آورده است. گذشته از آن خطوط ارتباطی زمینی ایران (جاده‌ای و ریلی) امکان نقل و انتقال کالا از خلیج فارس به آسیای مرکزی و قفقاز را فراهم ساخته است.

ترکیه به گسترش مناسبات اقتصادی و تجاری و بهره‌گیری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری در آسیای مرکزی علاقه وافری دارد. در حالی که از پیشرفت‌های اقتصادی - صنعتی درخور توجهی نیز برخوردار شده است. ترکیه اتصال آسیای مرکزی و قفقاز به بازار اروپا را میسر می‌سازد و از این نظر از اهمیت ویژه جغرافیایی برخوردار است.

پاکستان نیز از کشورهای پرجمعیت آسیایی و در همسایگی هند می‌باشد. از طریق پاکستان، امکان گسترش مناسبات به خاور دور نیز فراهم می‌شود.

کارشناسان با ذکر اهمیت گسترش مناسبات آسیای مرکزی و سه کشور بنیان‌گذار اگو و مزایای ناشی از این همکاری، به موانع آن نیز اشاره دارند.

آنها معتقدند که همکاری در قالب اگو امکان گسترش تجارت میان اعضا و دسترسی بیشتر به بازارهای یکدیگر، ایجاد شرایط مساعد برای رشد پایدار اقتصادی در منطقه، تحکیم مناسبات اقتصادی و سیاسی، کمک به رشد تجارت از طریق رفع موانع بازرگانی و افزایش توان رقابت در بازارهای جهانی و... به‌ویژه رشد سرمایه‌گذاری منطقه‌ای را فراهم می‌سازد.

اما موانع همکاری در قالب اگو از نظر کارشناسان در ساختار اقتصادی اعضای اگو نهفته است. اعضای اگو همگی کشورهای درحال توسعه‌ای می‌باشند که به انتقال سرمایه و فن‌آوری نیاز دارند. احتیاج به جذب سرمایه‌گذاری خارجی و دانش فنی سبب شده است که هر یک از اعضای اگو به سویی متوجه باشد و نسبت به مناسبات خارجی خود با کشورهای ارایه‌دهنده این نیازها (سرمایه و فن‌آوری) اهمیت خاص دهد. لذا توجه آنها به همکاری منطقه‌ای تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد.

با وجود آنکه اعضای اگو با عضویت کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و افغانستان در سال ۱۳۷۰ به ۱۰ کشور رسید و پس از آن توافق‌نامه‌های بسیاری در زمینه‌های اقتصادی میان آنها امضا شد. حجم مناسبات تجاری بین آنها در حد قابل‌قبول نمی‌باشد.

از آنجا که بخش قابل‌توجهی از صادرات کشورهای عضو اگو را کالاهای سنتی و صنایع سبک تشکیل می‌دهد، آنها در کوتاه‌مدت قادر نمی‌باشند مبادلات تجاری بین خود را به‌سرعت افزایش دهند تا جایی که همکاری و اتحاد اقتصادی بتواند جلوه‌های بروز پیدا کند. توان اقتصادی نابرابر میان آنها، کارایی اندک نیروی انسانی، کمبود سرمایه، ضعف فن‌آوری و... از موانعی است که پیشرفت «اگو» را محدود نموده است.

کارشناسان اعتقاد دارند که با توجه به این موانع که در واقع سطح مناسبات اقتصادی ۱۰ کشور عضو اگو را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، اما تلاش برای توسعه همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی، علمی، آموزشی و تسهیل تبادل اطلاعات و دانش فنی و... می‌تواند در بلندمدت منشأ توفیق‌های بزرگ برای تمام اعضای اگو در جهت دستیابی به توسعه پایدار باشد.

